

منفکونیست ۵۴

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۸ آبان ۱۳۸۹
۱۹ نوامبر ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

کارگر "خارجی" منشا

بیکاری یا سود

امروز بار دیگر در دل معضلاتی که طبقه کارگر با آن دست و پنجه نرم میکند، مسئله کارگر خارجی به عنوان عامل بیکاری و محرومیت کارگر "ایرانی" در بوق زده میشود. تلاش برای معرفی کردن کارگر خارجی به عنوان عامل بیکاری امر جدیدی نیست. اما در مقطعی مثل امروز که مسئله اشتغال، بیکاری و اخراج همراه با عدم پرداخت دستمزد، زدن سوسیسها و افزایش قیمت هر روز مایحتاج عمومی، به صدر مسائل اصلی جامعه رانده شده است، بار دیگر کارگر "خارجی" به عنوان عامل این مشقات معرفی خواهد شد و بار دیگر فضای ضد خارجی، ناسیونالیستی و ضد کارگری توسط صف وسیعی از روشنفکر، "محقق"، "اقتصاد دان" و روزنامه نگار که جملگی از این طریق معاششان تامین میشود، تا مقامات دولتی و صاحبان سرمایه و ... یاد زده میشود.

زمانی که برای تولید سود به کارگران افغانی نیاز بود، کسی از ملیت، مذهب و نژاد و محل تولد آنها نمی پرسید. مراحل دور و دراز اداری امروز برای پروانه کار و... نیازی نبود. سرمایه به کارگر ارزان نیاز داشت، دولت نیروی کار ارزان آنها را به خدمت

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

کارگران فرانسه:



چرا پیروزی حاصل نشد؟

تا همین دو هفته قبل خوش بینی و امید نسبت به پیروزی کارگران فرانسه در عقب راندن دولت دست راستی سارکوزی و مجبور کردنش به پس گرفتن لایحه افزایش سن بازنشستگی بالا بود. این امید و خوش بینی غیرواقعی نبود. اعتصابات و تظاهراتهای سازمانیافته و میلیونی طبقه کارگر و کارکنان و جوانان در فرانسه که از هفتم سپتامبر تا ششم نوامبر، درست به مدت دو ماه هر دفعه به نسبت دفعه قیلتز، گسترده تر، متحدانه تر و میلیتانت تر به میدان میامد، چنین امینواری برحق را موجب میشد. این خوش بینی آزمون اوج گرفت که سه و نیم میلیون کارگر و انسان

مصطفی رشیدی

اسلام، ابزار حقارت

و سرکوب در

محیطهای آموزشی



کشمکش بر سر سرنوشت رشته های مربوط به علوم انسانی در دانشگاه های ایران به صدر موضوعات داغ فضای سیاسی ایران تبدیل شده است. نوازده رشته علوم انسانی در دانشگاه تهران بعنوان قربانی اول دور جدید حمله رژیم در این زمینه بحساب میآیند. وزیر علوم دولت حاکم خواهان دانشگاههایی است که

مصطفی رشیدی

باران نعمت "حقوق شهروندی"

بر فراز مردم در ایران!

سیاستی که عاری از انصاف باشد، ثنار نمیآورد. راه بجایی نمیبرد. بعنوان یک نمونه زنده، دل پر از خون و شمنی و نفرت علیه احمدی نژاد و دولتش هر چقدر هم که برحق باشد، اما یکذره انصاف و عدالت حکم میکند که مدال پرافتخار دفاع از "حقوق شهروندی" را از ایشان دریغ

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نمایش شیع اعتراف گیری

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید!

وارسی کرد. از جمله:

الف- معترضند که همه اتحادیه ها همانند هم قاطع و یکدست ظاهر نشدند.

این مشاهده، نمیتواند نقد درستی از علل عدم پیشروی کارگران باشد. صرفظنر از اینکه کدام بخش جنبش اتحادیه ای کارگری در فرانسه زودتر و یا دیرتر و میلیتانتتر و یا متزلزلتر عمل کردند، واقعیت اینست نهایتاً هشت اتحادیه بزرگ

کارگران فرانسه ابزار اصلی به میدان کشیدن طبقه کارگر در این جدال طبقاتی بودند. در چار چوب ظرفیت جنبش اتحادیه ای همه امکانات خود را به کار گرفته، بیشترین تلاش را با میلیتانتی بالا برای اتحاد و هماهنگی به کار گرفتند.

بد مدعی اند که تظاهراتها بدون تصویر بودند و رهبری (بخوان اتحادیه ها) تعیین نکردند، قدم بعدی چیست؟

صفحه ۲

تفکیک جنسی، قبر کشته های جنگی در محوطه دانشگاهها، سانسور دایمی و دهها دسیسه و سیاست آشکارا سرکوبگرانه را میتوان نام برد که سرگنشت فضای دانشگاهها را رقم زده است. غربال دانشجویان متقاضی بر اساس تستهای مسخره مذهبی و انواع تعهدات کتبی مربوط به رعایت حجاب، و پر کردن صندلی ها از فرزندان خانواده شهدا و بسیجیان را هم باید به لیست بالا اضافه کرد. با بدین این چهارچوب

صفحه ۲

نشست دفتر سیاسی حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۳

ذره ای از اهمیت خبر مربوطه کم نمیکند. به چند جنبه باید توجه کرد.

بازار سیاست در ایران چیزی از یک شهر هرت کم ندارد. اتفاقاً مقوله "حقوق شهروندی" معیار گویایی برای این بازار مکاره سیاسی است. قحطی حقوق شهروندی در ایران نیازی به اثبات ندارد. اما خوشبختانه لیست کسانی که برای قربانیان محروم از این حقوق شب و روز پستان به تئور میچسبانند، از شمار خارج است. از جرج بوش تا دولت اسرائیل، از دولتها و موسسات و مقامات بین المللی که سر کار

صفحه ۴

انجمن مارکس - حکمت لندن

سمینار

کورس مدرسی

طبقه کارگر و تحزب کمونیستی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران فرانسه...

اعتصابات و تظاهراتهای بزرگی که شاهد بودیم، بدون تصویر نبودند. تصویر حاکم بر این مبارزات، همان تصویر آشنای جنبش اتحادیه ای که عبارتست از تحرک و مبارزه از پایین برای گرفتن امتیازاتی در بالا با فرض به رسمیت شناختن چارچوب مناسبات موجود کار و سرمایه بود. قدم اول و آخر این مبارزات وسیع دو ماهه از جانب اتحادیه ها تعیین شده بود، آن هم "نولت لایحه بازنشستگی را پس بگیرد" و انصافا برای این هدف و خواست معین هر ابتکار لازم را در این مدت دو ماه به کار گرفتند. تحقق این هدف و خواست کارگران آنجا به بن بست رسید که بورژوازی و دولت آن با ایستادگی کامل آن را رد کرد، حتی از تن دادن به مذاکره با اتحادیه ها سرباز زد. بی ابهام اعلام کرد، یا "این قانون را تثبیت میکند و یا اینکه استعفا میدهد". در واقع خود دولت مسئله را به مسئله جابجایی در قدرت سیاسی تغییر داد. ادامه کشمکش دیگر از قالب محدود تحقق و عدم تحقق یک لایحه معین فراتر رفت. جدال به مسئله ساقط کردن و یا نکردن دولت بورژوایی سارکوزی گره خورد. از آن لحظه به بعد استراتژی و خواست و سیاست دیگری از جانب جنبش طبقه کارگر که چیزی کمتر از ساقط کردن دولت سارکوزی نبود، ضرورت پیدا کرد. آن قدم بعدی که می بایست جنبش طبقه کارگر بردارد، همین بود و کسی که فکر میکند جنبش اتحادیه ای و آن هم در دوران کنونی میتواند چنین سیاستی را اتخاذ کند، نه ضعف جنبش اتحادیه ای بلکه توهم خود را نسبت به جنبش اتحادیه ای نشان میدهد. هنوز در چارچوب محدودیتهای و مفروضات جنبش اتحادیه ای حرکت میکند، به همین دلیل و در تکمیل توهمات خود از قاطعیت بورژوازی و "تن ندادن دولت به مذاکره" با اتحادیه ها گله مند است.

در نتیجه فاکتورهای مورد اشاره بالا نمیتواند جواب عدم پیروزی طبقه کارگر فرانسه در جدالهای جاری باشد.

معضل واقعی: غیاب سیاست و تحزب کمونیستی

رهبران کمونیست کارگران و هر جریان کمونیستی متعددی که به طبقه کارگر نمیتواند عدم پیروزی مبارزات اخیر طبقه کارگر را صرفا با محدودیتهای و نتوانیهای اتحادیه ها توجیه کند. نمیتواند قاطعیت بورژوازی و مذاکره نکردن دولت آن با اتحادیه ها را بهانه کند. تحرک عظیم طبقه کارگر فرانسه خلاء بزرگتری را به نمایش گذاشت.

اسلام، ابزار حقارت ...

وقت به این اندازه "بدربخور و کارساز" نمیتوانست باشد. انگلهای ساکن فیضیه و علمای قد و نیم قد هرگز نمیتوانستند اینقدر منشا "خیر" قرار بگیرند. این دین و این حکومت در همه کجایش يك موهبت بزرگ برای حکومت سرمایه در ایران عمل کرده است. تمام کشور را به خاک و خون کشیده اند، هر جنبنده و مقاومتی و در راس آن حرکت گسترده دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را در هم کوبیده اند، در این متن وزیر علوم وسط میدان را گرفته، با مشت به سینه های خود میکوبد و با نعره های اسلامی فرصت را برای تعرض بیشتر جلوی خود باز مینویسد.

تعرض اخیر محکوم است. دست رژیم باید از رشته های علوم انسانی کوتاه شود. اساتید و دانشجویان هزار بار حق دارند که بر سر استقلال دانشگاهها و مراکز آموزشی تاکید کنند. این يك انتظار و حق بنیهی و پیش پا افتاده است که هر خرده دیکتاتور تازه بدوران رسیده ای، برای حفظ ظاهر تمدن هم که شده، خود را به رعایت آن ملزم مینماید. بحث بر سر دفاع از وضع موجود نیست، تا همینجا عفوتهای مذهبی اسلامی تا عمق مفاد درسی و در ساختن ذهن و آموخته های دانشجویان تاثیر بجا گذاشته اند. اما این برای رژیم کفایت نمیکند. ظاهرا هر چه با نام و اثری از تاریخچه و دستاوردهای تمدن و دانش را باید برچید و بجایش زیاله های بینی و اسلامی را، بخورد جوان بخت برگشته داد. دانشجو و استاد و هر آم با شعوری که پشت هر کتاب، پشت هر جلسه تدریس و زنگ انشا سگری را بر علیه خزعبلات بینی و بر علیه سرکوب میسازد باید مورد دفاع و حمایت قرار بگیرد.

تمام سناریوی رژیم کمتر از يك جنون نیست، جنون افسارگسیخته تحمیق و دشمنی با هویت و حرمت و شعور انسانها. اما مساله رژیم بسیار فراتر از دشمنی صرف با آگاهی و دانش است. همپای فشار ارتجاعی مذهبی در تمام شئونات محیطهای تحصیلی، شتاب و حرص و سرمایه گزاری های عظیم برای کسب و رواج مدرنترین دانش و تکنیک بشری از طرف همین حکومت در دستور قرار داشته و دارد. مساله رژیم بسیار بیشتر از جنبه صرف مذهبی اینولژیك و با پلیندی به يك وظیفه توحیدی، دارای بعد مادی و زمینی است: حفظ يك نظام و يك حکومت با همه منافع و برکات فوری و دنیوی آن! هنبونه دین اسلام با دریایی از قیحترین و شرم آورترین برداشتها و احکام در مورد انسان و انسانیت هیچ

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کارگر "خارجی" منشا...

میکرفت و بازار سودهی سرمایه را بر کرده طبقه کارگر و خصوصاً کارگران خارجی با بی حقوقی آنها می چرخاند. دولت در قوانین ضد کارگری خود برای کارگران خارجی در ماده ۱۲۶ نوشته اند که: "در مواردی که مصلحت صنایع کشور، اشتغال فوری تبعه بیگانه را بطور استثنایی اجاب کند، وزیر مربوطه مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می نماید و با موافقت وزیر کار و امور اجتماعی، برای تبعه بیگانه، پروانه کار موقت بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور رویداد با حق کار مشخص، صادر خواهد شد."

اکنون آمار بیکاری بسیار بالا است و احتیاج به کارگر خارجی هم ته کشیده است. کارگر خارجی مورد نیاز دیروز، در قامت "بیگانه" که عامل "بیکاری و فساد" در جامعه اند، از جانب نیروهای پلیس و وزارت کار و همه ارگانهای دست ساز دولت شکار میشوند. در این چند سال بخش اعظم کارگران افغانی دستگیر و از ایران اخراج شدند. اکنون نیز "اشتغال اتباع بیگانه" در دستور روز وزارت کار قرار گرفته است، که همان وظایف کثیف را به نام اشتغال نیروی بیگانه دنبال میکند. در بخشهای مختلف دبیر و مسئول گذاشته اند و دستورالعمل صادر میکنند که کارگران خارجی را کنترل کنند، آمار دقیق از آنها پیدا کنند. در سیستان و بلوچستان مدیر کل کار و امور اجتماعی رسماً اعلام کرد است که اشتغال کارگر خارجی ممنوع است و در عرض چند روز صدها کارگر افغانی را از محلهای کار بیرون کشیدند تا به افغانستان برگردانند. در نقاط دیگر گفته اند بر مبنای قوانین مملکت "افاغه" تنها در مکتی گری، حفر چاه و قنات و چند شغل مشابه حق کار دارند. تحقیر و توهین و اهانت بر فقر و محرومیت و بردگی چند میلیون انسان کارکن اضافه خواهد شد و فضای مسموم ناسیونالیستی و افغانی ستیزی را در این جامعه دامن میزنند.

بخش اعظم کارگران افغانی در بخش ساختمان مشغول کارند. از زمانی که اعتراضات کارگران این بخش به عدم بیمه خود بالا گرفته است، مسئله کارگران خارجی و "مشکلاتی" که ایجاد کرده اند، در بوق زده شده است. تلاش میشود با معرفی کردن کارگران افغانی به عنوان عامل مشقات کارگر ایرانی، اعتراض این بخش به دولت و سرمایه داران و پیمانکاران را متوجه آنها کنند. شایدانه تلاش میکنند امر شناسایی کارگرانی که پروانه کار

ندارند را بر دوش کارگران ساختمان و خصوصاً انجمنهای صنفی در این بخش بیندازند. فعلاً در بخش ساختمان میخواهند کارگر را در نقش ضد همسروشان خود به ابزار سرکوب بخشی دیگر تبدیل کنند تا در ادامه در بخشهای دیگر نیز از کارگران بومی علیه بخشی دیگر به عنوان کارگر خارجی استفاده کنند.

نگاهی به موقعیت کارگران خارجی در ایران، به عنوان نیروی کار ارزان و منبع سود و به عنوان محرومترین بخش طبقه کارگر، دورویی و ریاکاری صاحب منصبها و اهداف شنیع ضد کارگری و ضد انسانی کل این خیل را نمایان میکند. این بخش از طبقه کارگر اساساً کارش قرار دادی و موقت است، بیمه درمانی و حق بازنشستگی، سنوات، عیدی، پاداش، بیمه و مزایای دیگری که بقیه کارگران دارند، شامل حال آنها نمیشود. همین وضعیت از طرفی شرایط بسیار سختی را برای این بخش مهیا کرده است و از طرف دیگر با حراج کردن نیروی کار آنها و بی حقوقی مطلق شان، سود دهی سرمایه را بالا برده اند. حق اعتراض و اعتصاب هم ندارند و هر اعتراضی میتواند باعث اخراج آنها از مملکت شود. این وضع تازه شامل بخش "خوشبختی" است که اجازه کار دارد و آمارش یک و نیم میلیون نفر اعلام شده است. بقیه کارگران که از ترس اخراج به افغانستان مخفیانه زندگی میکنند، به زندگی هزار بار مشقت بارتر وادار شده اند.

پلین بودن سطح معیشت و دستمزد این بخش از کارگران، شرایط کار و زندگی و سطح معیشت کل طبقه کارگر در این جامعه را پلین میآورد و این یکی از کارکردهای سرمایه داری در همه دنیا است. خاصیت نیروی بیکار و یا کارگر ارزان در این است که ضمن انشقاق در صفوف طبقه کارگر، نیروی کار ارزان را برای سرمایه داری تامین کند. اما عامل این وضعیت قربانیان این شرایط غیر انسانی نیستند. گناه بردگی کارگر خارجی در ایران، برده داران و دولت حاکم است که چشم به ارزانی نیروی کار آنها دوخته اند و سودهای نجومی کسب میکنند. در این جهنم کارگر افغانی به جرم شرایط زندگی و ناچاری، زنجیر شده است و بردگی را به نام زندگی به او تحمیل کرده اند.

البته در این میان و در فضای ناسیونالیستی و ضد کارگر خارجی که دامن زده شده است، جدا از دولت و سرمایه داران، بخش اعظم نیروهای سیاسی در پوزیسیون و اپوزیسیون هم آوا هستند. نیروهای راست که تکلیفشان

انجمن مارکس - حکمت لندن
شنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰
ساعت ۱ تا ۴ بعدازظهر
سمینار
کورس مدرس
طبقه کارگر و حزب کمونیستی
لظفا از آوردن کودکل زیر ۱۶ سال خودداری

نشست دفتر سیاسی حزب

کمونیست کارگری -

حکمیست

روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان ۱۳۸۹ (۱۳ و ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب رحمان حسین زاده برگزار شد. ابتدا گزارش کار دفتر سیاسی بعد از کنگره چهارم حزب توسط فتح شیخ به اطلاع نشست رسید. سپس دبیر کمیته مرکزی گزارش عمومی کارکرد هیات دبیران از کنگره چهارم حزب به بعد را ارائه داد. گزارشهای کتبی هیات دبیران و هر چهار کمیته اصلی حزب: کمیته سازمانده، کمیته کردستان، کمیته خارج کشور و کمیته تبلیغات و آموزش، از قبل در اختیار دفتر سیاسی قرار گرفته بود.

پس از سوال و اظهار نظر و بحث درباره گزارشها، دستور نشست تصویب شد و از میان مباحث دستور، موارد زیر بررسی گردید:

اولیتهای دفتر سیاسی در دوره آتی (با معرفی فتح شیخ)

"کانون عالی انجمنهای صنفی" چهارچوب سیاستهای حزب در باره آن (با معرفی امان کفا).

حزب و رهبری حزب در غیاب کورس مدرس در کادر رهبری حزب (محمد قناتی).

انتخابات اخیر در آمریکا و پیامدهای آن (با معرفی فتح شیخ).

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

۲۶ آبان ۱۳۸۹ - ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰

کنید

ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر و نامنویسی برای شرکت در سمینار با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت تماس بگیرید:

تلفن: 07708125993

ایمیل: marx.helmat@gmail.com
<http://www.marxhelmat.com>

y.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

محاکمات ساختگی، پرونده سازی، اعتراف گیری و اظهار ندامت از عقیده و فعالیت سیاسی به ضرب شکنجه و دادگاههای نمایشی، سرپا ایستاده است.

نمایش شنیع اعتراف گیری

نمایش شنیع اعتراف گیری و اظهار ندامت سکینه محمدی آشتیانی محکوم به سنگسار، و سجاد قادرزاده پسر سکینه با هوتن کیان وکیل مدافع او، و دو شهروند آلمانی بازداشت شده در ایران، از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد. پخش این نمایش شنیع نه برای شکنجه گران و بازجویان و آم کشان جمهوری اسلامی و نه برای قربانیانی که مجبور شده اند علیه خود شهادت دهند، و نه برای میلیونها انسانی که این صحنه ها را میبینند، حاوی هیچ حقیقتی نیست. برای گردانندگان این نمایش تنها هدف ارباب جامعه و نشان دادن ظرفیت سیاه و کثیف خود در شکنجه و مهمتر از همه دامن زدن به رعب و وحشت و یاس و ناامیدی در میان مردم معترضی است که جمهوری اسلامی را نمیخواهند. خاصیت این سناریوها اینست که به جامعه تفهیم کنند در مقابل مقتضیات تداوم حیات رژیم، انسان و حقوق شهروندی و انسانی از پوچ، پوچ تر است. این رژیم هر آنچه که مقاصد اربابش ایجاب کند به اجرا درخواهد آورد، همین و بس!

جمهوری اسلامی با همه شاخه های "خوش خیم و بدخیم" آن، "معتدل و غیر معتدل" آن با سبز و سیاه آن، سی سال با اتکا به ترور، قتل، سنگسار، محاکمات ساختگی، پرونده سازی، اعتراف گیری و اظهار ندامت از عقیده و فعالیت سیاسی به ضرب شکنجه و دادگاههای نمایشی، سرپا ایستاده است. بدون چنین قصاوتهای ادامه زندگی جمهوری اسلامی ممکن نبوده و نیست. جمهوری اسلامی همیشه برای پلیسی کردن فضا، برای ترساندن جامعه و نشان دادن گوشه ای از سببیت و خشونتش چنین بساطی را به راه می اندازد. اینکه چه کسانی قربانی این توحش هستند ذره ای از کثیف بودن اینکار و شناعت و رذالت برپا کنندگان این نظام کم نمیکند.

این بساط مورد تفریح هر انسان شرافتمندی است که برای حقوق، کرامت و شخصیت انسان ارزشی قائل است. این نمایش فقط و فقط نشاندهنده یک حقیقت مسلم است. این رژیم اصلاح پذیر و قابل تغییر از درون نیست و باید سرنگون شود. تمام جریانات و کسانی که نوید تغییر از درون میدهند در سرپا نگهداشتن جمهوری اسلامی نینفعند. حکومتی که ملایمترین صدای مخالف را حتی در درون صفوف خود تحمل نمیکند، حکومتی که در جواب اعتراضات وسیع به شکنجه و اعدام و سنگسار، نمایش شنیع اعتراف گیری راه میندازد، قابل هیچ تغییری نیست جز سرنگون کردن!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۷ آبان ۱۳۸۹ - ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰

کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند. جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است

منصور حکمت

حجاب خلاصه نمیشود، و تنها در این زمینه مورد تبعیض و حمله و بی حقوقی قرار نمیگیرند. در آن جامعه زنان در خانواده در مقابل شوهر، در مدرسه و در کوچه و خیابان و محل کار هم از حقوق شهروندی محروم مطلق است. میشود پرسید چرا موج پر کشیده اند تا با هر وسیله ممکن، از افتخار سبز آزادی مدافع "حقوق" و جنگ و محاصره اقتصادی گرفته تا دیپلماسی فعال و تطمیع سر نیکتاتورهای منحوس رژیم را به سنگ بزنند. خوش بحال مردم ایران که خیل بزرگ اپوزیسیون و رادیکال هست که هورا میکشند و تضمین میدهند که این کشمکش سیاسی بلاخره حقوق شهروندی به ثمر خواهد نشست! تازه اینها از خوشنامترینهای این شهر هرت هستند.

اصل خبر به يك گره گاه مهم سیاسی در کشمکشهای سیاسی ایران، اشاره دارد. کشمکش بر سر حجاب در حادترین دوره های خود بسر میرود. اما هدف دولت تشدید و یا دور جبدی از حملات علیه زنان و حجاب نیست. در فضای سیاسی که موسوی و کروبی قهرمانان "حقوق" شهروندان هستند؛ در جایی که رفسنجانی و خطابه های نماز جمعه اش مبشر آزادیهای اجتماعی بحساب میاید؛ اما اعتراض و ناله ها هیچ کدام نمیتواند زمانیکه زهرا رهنورد طلایه دار همیشه در صحنه حقوق زنان قلمداد را علیه زنان به خیابانها بریزند. میگرد؛ زمانیکه هنوز صد من يك نارضیاتی گسترده، خشم گسترده، خطر

انفجارها و طغیانها بر بستر گرانی و حذف سوبسیدها جمهوری اسلامی را از باز کردن عرصه فعال کشمکش بر سر حجاب عاجز ساخته است. مبارزه امروز زنان و جوانان در ایران علیه حجاب بسیار گسترده و ملو از ابتکار احمدی نژاد هم دارد سهم خود را بنوع دیگر ادا میکند. نگاه کنید چگونه زن و حجاب و پوشش و عفاف و نقش دولت بعنوان منجی قانون اسلامی مخرج مشترك این مجمع الاجمیع است. شاهرودان آن جامعه باید با روی پای موقت عامدانه (از جمله در نوره های انتخاباتی) و یا مقابلا حمله به زنان به بهانه پوشش در همه ایام حکومت عرصه ای برای تعادل مناسبت بقای رژیم بکار گرفته شده است.

اما سوال کاملا موجه اینستکه کدام "حقوق" و برای کدام "شهروندان" است که مورد دعواست؟ حقیقت اینستکه بخش مهمی از آن جامعه همیشه از حقوق و آفری برخوردار بوده اند. در آن جامعه شیره جان کارگر کشیدن، بیرون انداختنشان از کارخانه، عم پرداخت دستمزدشان حقوق مسلم بعضی از شهروندان است. بخش مهمی از قربانیان دست و پا بسته این ماجرا را زنان تشکیل میدهند. حقیقت اینستکه حقوق شهروندی زنان تنها به زمینه

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران
تعمیرات در ایام هفته نشود تکرار برنامه در ایام تعطیلات

www.radiopartow.com/wp/

زنده باد سوسیالیسم